

نسبت بین ترجمه و انتقال فرهنگی در ایران دوره ناصرالدین شاه قاجار

محمدامیر احمدزاده*

چکیده

مسئله نوشتار حاضر این است که به ارزیابی نسبت بین ترجمه و انتقال فرهنگی در دوره ناصرالدین شاه قاجار بپردازد، بر اساس روش تحلیل تاریخی می توان گفت که ایران در قرن سیزدهم هجری با وضعیتی متفاوت در دنیای پیرامونی مواجه گردید؛ اروپای این عصر ضمن درنوردیدن تحولات مختلف سیاسی، فلسفی و صنعتی به سوی شرق حرکت کرد و ترجمه در این فضای به مثابه کانال انتقال فرهنگی معنا یافت که دستاورد جامعه مبدا (فرنگ) را به جوامع مقصد (ایران و سایر جوامع مسلمان) منتقل سازد. اما این یک انتقال ساده نبود به ویژه با آگاهی گروه‌های فرهنگی جوامع شرق از ماهیت تحولات و متون اروپایی برآمده از آن نوعی دوگانه‌ی «سازش - ستیز» شکل گرفت که تا مدت‌ها نیز تداوم یافت؛ در میان مترجمان و برخی نهادهای دولتی که برای ترجمه تشکیل شده بودند معیارهای گوناگونی برای ترجمه انتخاب می شد که عمده ترین دلایل آن را می توان معیارهای درونی و معیارهای بیرونی دانست. عوامل درونی را خود آثار، هنجارها و الگوهایی که رایج می دادند تعیین می کردند. این مسئله به انگیزه‌های موجود برای هر مترجم ارتباط دارد. معیارهای بیرونی نیز به مسئله قدرت سیاسی و نقش آن در جهت بخشیدن به ترجمه ها و انتخاب نوع آثار ربط داشت.

کلیدواژه‌ها: انتقال فرهنگی، نهضت ترجمه، جامعه مبدا، جامعه مقصد.

برپایی مؤسسات صلاحیه ایوبیان (مدارس و خانقاه‌ها) در شام و مصر

علیرضا اشتری تفرشی*

فاطمه احمدوند**

چکیده

این پژوهش ضمن ارائه گزارشی تاریخی - توصیفی به دست آمده از منابع دست اول و برخی پژوهش‌های تاریخی از چهار مؤسسه آموزشی و دینی برپا شده به دست صلاح الدین ایوبی (د. ۵۸۹ق)، بنیانگذار سلسله ایوبیان، یعنی دو مدرسه و دو خانقاه صلاحیه در هر یک از شهرهای بیت المقدس و قاهره، می‌کوشد تا با روش تحلیلی، عوامل مؤثر در انگیزش‌های ایجاد این مؤسسات، منطبق با سیاست‌های فرهنگی و مذهبی بنیانگذار آنان و یا تأثیرات ناگزیر تحولات تاریخی، به ارائه روایتی تحلیلی بنیان از این پدیده تاریخی نائل آید؛ بدین ترتیب، عوامل سیاسی مانند تلاش برای کسب مشروعیت سیاسی، عوامل مذهبی، از جمله تلاش برای تعمیم اندیشه‌های اشاعره و حذف آراء رقیب، عوامل جهادی یعنی تأثیر بر ایجاد انگیزه‌های جهادی بر ضد صلیبیان و عوامل فرایندی یعنی کوشش برای تطبیق پدیده مؤسسات صلاحیه با فرایند شرق به غرب پخش پدیده‌های تمدنی مدرسه و خانقاه و پدیده‌های فرهنگی زندگی مدرسی و خانقاهی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: صلاحیه، مدرسه، خانقاه، نظریه پخش، عصر ایوبی.

* استادیار گروه تاریخ تشیع دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)، a.tafreshi@hsu.ac.ir

** استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

ahmadvand@ISR.ikiu.ac.ir

صورت و معنا؛ نقش معمار مسلمان در خلق معماری

سمیه امیدواری*

چکیده

هنر و معماری اسلامی به عنوان یکی از تجلیات برآمده از اندیشه و تفکر اسلامی واجد غنای بسیاری در درون خود بوده است و این معماری به عنوان زبان گویای حقیقت، از مرتبه معنا به مرتبه صورت ظهور و تجلی یافته است. رمز یکی از مفاهیمی است که هنرمند مسلمان در خلق آثار خویش ناگزیر از آن بهره می‌گیرد. بی شک معمار مسلمان بنا به مرتبه خویش و جایگاهی که در نظام هستی داشته است قادر به کشف و انکشاف رموز عالم به عنوان حقیقتی متجلی در نظام عالم تکوین و در مرتبه بعد تجلی بخشیدن به آن معنا در نظام عالم تشریح بوده است. رمزگشایی از رموز و درک معنا از نظام هستی و مرتبه دیگر تجلی بخشیدن به آن معنا در قالب صورت رمزی، کار هنرمند و معمار مسلمان خواهد بود. اما مسئله‌ای که این مقاله به بررسی آن می‌پردازد تعیین نسبتی است که هنرمند مسلمان با مراتب مختلف رمز برقرار می‌کند. فرآیند خلق معماری اسلامی در گرو رمزگشایی و رمزپردازی در عالم هستی بوده است که معمار مسلمان با غور در معنا باید به حقیقت این رموز واقف گردد و آنها را در فرآیند خلق معماری، به مرتبه تجلی رساند.

کلیدواژه‌ها: معماری اسلامی، صورت، معنا، رمز.

تصویر دیگری بیگانه و عربی در اشعار فاضل العزاوی

توفیق رضاپور محیسنی*

رسول بلاوی**، عواد کاظم لفته غزی***

چکیده

ادبیات تطبیقی شامل مجموعه‌ای از گرایش‌ها و روندها است که تصویر دیگری یکی از آنها می‌باشد. تصویر دیگری، توجه بسیاری از پژوهشگران معاصر را به خود جلب کرده است. آنها تصویر را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار می‌دهند از آن جمله خوانش تصویری از یک ملت، یک فرقه مذهبی، یک شخصیت بیگانه در ادبیات ملتی دیگر؛ همچنین تصویر یک شخصیت، یک فرقه یا گروه خودی از جامعه شاعر، مورد بررسی قرار می‌گیرد همانند تصویر گروه داعش که در ادبیات بسیاری از نویسندگان عرب پس از سال ۲۰۱۲ منفی بوده است. قرار گرفتن در کنار «دیگر» منفی باعث رنجش «من» می‌شود چرا که قدرتش را بر آن تحمیل می‌کند و آزادی «من» را در زندگی کردن سرکوب می‌کند؛ به بیان دیگر، آزادی «دیگری» به هزینه آزادی «من» است. این پژوهش می‌کوشد «تصویر دیگری» را در شعر فاضل العزاوی مورد بررسی قرار دهد و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، در پی پاسخ دادن به این سوال می‌باشد که: تصویر دیگری خارجی و عربی چگونه در شعر فاضل العزاوی نمایان شده است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خوانش و بررسی تصویر «دیگری» تنها مربوط به گرایش‌های نقد ادبی مانند ساختارگرایی و غیره نمی‌باشد، بلکه به سایر شاخه‌های علوم انسانی مانند تاریخ و جامعه‌شناسی نیز مربوط می‌باشد. تصویری که شاعر از «دیگری» ترسیم کرده است ابتدا از نیازهای سپس نیازهای جامعه عراقی و عرب سرچشمه گرفته است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر عراقی، فاضل العزاوی، تصویر دیگری.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، tofighalnassari@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر (نویسنده مسئول): r.ballawy@pgu.ac.ir

*** استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ذی قار، العراق، awad.aa988@gmail.com

زیبایی‌شناسی تصاویر معنی‌ساز در نهج‌البلاغه پژوهشی سبک‌شناسانه در خطبه چهارم

مالک عبدی*

چکیده

نهج‌البلاغه علاوه بر ارزش‌های تربیتی و راهبردهای سیاسی که در بطن خود دارد، مشتمل بر اصول زبانی و بیانی هدفمندی است که برای بیان بهتر معنی، و جلوه‌گر نمودن لایه‌های پنهان آن در رختی زیباتر به کار رفته است. دلالت‌های صرفی، نحوی، واژگانی، بلاغی و موسیقایی که در این کتاب است آن را به مثابه گنجینه‌ای استوار در حوزه‌ی مفهوم‌سازی و رسانایی معنایی قرار داده است. امام در این کتاب عموماً و به ویژه در خطبه‌ی چهارم آن به گونه‌ای هدفمند از ابزارهای زبانی بهره‌جسته تا آنچه را که از معانی در نظر داشته به نحوی شایسته پویانمائی کند. آنجا که اقتضای کلام استفاده از ابزار صرفی است از این ابزار سود می‌جوید و آنجا که بافت کلام مستلزم استفاده از خصوصیت‌های آوایی زبان است این‌گونه عمل می‌کند، و در جایی که القای معنی، تصویرسازی و واژگانی یا بلاغی را می‌طلبد امام به درستی به آن مبادرت می‌ورزد تا چرخه رسانایی معنایی به درستی میان فرستنده پیام و گیرنده ایجاد شود. پژوهش پیش رو بر اساس روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته و نتایج حاکی از آن است که در این خطبه کوتاه قسمت عمده‌ای از معانی جز به مدد استفاده از این ابزارهای زبانی قابلیت ظهور و بروز تام را نداشته و از آنجا که مخاطبان امام در این خطبه جماعت دین‌گریز و غفلت‌زده‌ای هستند، چرخه‌ی استعاری به کار گرفته شده در آن صرفاً تصریحی است، و این بدان سبب است که امام با صراحتی بیشتر و رویه‌ای گویاتر تصویر مغشوش و معاند مخاطبان را برای خواننده به تصویر بکشد. در نهایت نیز این‌گونه به نظر می‌رسد که امام در این خطبه برای پردازش بهتر مفاهیم خویش اهتمام ویژه‌تری به سطوح آوایی و بلاغی (استعاری) کلام داشته، و مهم‌ترین آموزه‌های خود را در این زمینه به واسطه‌ی دلالت‌های صوتی و بلاغی به سمع و نظر مخاطبان رسانده است.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، خطبه‌ی چهارم، سبک‌شناسی، تصاویر معنایی.

درون مایه وطن در شعر حازم رشک التمیمی

مطالعه موردی دیوان الأحراف المشبهه بالمطر

مریم غلامی*

رقیه رستم بورملکی**، انسیه خزعلی***

چکیده

وطن در شکل‌گیری عاطفی انسان نقش برجسته‌ای دارد. کشور عراق از دیرباز تا کنون از جنگ و اشغال در رنج بوده است، و شاعر عراقی نیز با اشعار خود به دنبال حفظ هویت ملی و حریم فرهنگی کشور، به گونه‌ای که بیانگر انتساب شهروندان به وطن و تمدن باشد، بوده است. شاعر معاصر عراقی، حازم رشک التمیمی نیز از سایر شاعران عراقی نیز مستثنی نیست، چرا که وطن نزد او یک احساس و ارتباط عاطفی و وجدانی عمیق است که از اعماق وجودش برگرفته، و در قالب کلامی فصیح و دارای موسیقی بر شنونده تأثیر بسیار بالایی دارد. وطن در دیوان شاعر به درون مایه اصلی تبدیل شده است. درون مایه "موتیف" به موضع، واقعه، ایده یا کلیشه‌ای اشاره دارد که در آثار مختلف ادبی، داستان‌های عامیانه و افسانه‌ها به تکرار می‌یابیم. هدف از این مطالعه بررسی بخشی از دیوان "الأحراف المشبهه بالمطر" حازم رشک التمیمی است. این مطالعه رویکرد انتقادی مرکب از توصیف و تحلیل را برای بررسی انتخاب کرده است. ابتدا به توصیف درون مایه مبتنی بر مطالعات پیشین پرداخته، و سپس نمونه‌های شعری که نشانگر نقش محوری وطن در دیوان شاعر است را مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله نتایج این مطالعه: این که رنج‌های موجود در عراق منجر به بازتاب گسترده وطن در اشعار حازم رشک التمیمی شده است. به گونه‌ای که تصویر وطن همراه با حزن و درد و آه بروز یافته و این امر انعکاس حقایق موجود در عراق است. همچنین روشن شد که وطن در چارچوب مربع شهرها، مردم، دین و حاکمان عراقی توسط شاعر به تصویر کشیده شده است.

کلیدواژه‌ها: درون مایه، وطن، شعر سیاسی، حازم رشک التمیمی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

M.gholamy@alzahra.ac.ir

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

R.rostampour@alzahra.ac.ir

*** استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، E.khazali@alzahra.ac.ir

جلوه‌های به حاشیه راندن هویت قهرمان و روش‌های ریشخند در داستان کوتاه/الاستغاثه اثر زکریا تامر

بهنام فارسی*

علی بیانلو**، علی نوبهار***

چکیده

بی‌تردید روش‌های ریشخند فقط وسیله‌ای برای مسخره کردن نیست، بلکه ابزاری هنری و اثر بخش در بیان دغدغه‌های ذهنی نویسندگان و شاعران پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی به حساب می‌آید. زکریا تامر نویسنده سوری از جمله کسانی است که روش‌های ریشخند را وسیله‌ای برای انتقاد از مفاهیم نادرست موجود در جامعه و نظام حاکم سوریه استفاده می‌کند. این روش در داستان کوتاه *الاستغاثه* با شکل‌های مختلف دیده می‌شود. در پژوهش حاضر، جهت انتقال دیدگاه نویسنده به مخاطب، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده گردیده و به پیشنهاد نویسندگان تصاویر موجود در این مقاله، توسط کاریکاتوربست ترسیم شده است. همچنین طبق اهداف پژوهش، جلوه‌های به حاشیه راندن هویت قهرمان به عنوان یک مفهوم نادرست و روش‌های هنری ریشخند در این داستان کوتاه، بررسی شده است. نتیجه پژوهش این شد که هنر ریشخند در مفاهیم گوناگونی جاری است. مانند: دمشق در خواب و پیکر متلاشی، باسواد ناآگاه از جایگاه قهرمان، سلاح ناکارآمد، وزیر دروغین و سرگشته بی‌سلاح، نپذیرفتن مرگ با خواری، عاقبت قهرمان و سلاحش. همچنین روش‌های هنری به کار رفته در ریشخند شامل این موارد است: تکنیک رئالیسم جادویی، مجاز لغوی، تصویر حسّی دردناک مضحک، تهکم پیدا و پنهان، ذمّ شبیه به مدح، تناقض میان واژگان و معانی، بینامتنیت.

کلیدواژه‌ها: حاشیه راندن هویت قهرمان، روش‌های ریشخند، داستان کوتاه، *الاستغاثه*، زکریا تامر.

* استادیار، بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، ایران (نویسنده مسئول)، behnam.farsi@yazd.ac.ir

** استادیار، بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، ایران، abayanlou@yazd.ac.ir

*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، ایران، hajalinobahar1@gmail.com

جلوه‌های طنز در رمان خوشبیدین اثر امیل حبیبی

امیر فرهنگ‌نیا*

علی پورحمدانیان**

چکیده

طنز از خلاقیت‌های ادبی است که در گذشته تاکنون بکار رفته و گاهی مخاطب هدف از طنز را کاستن از منزلت «دیگری» می‌داند که تا حدودی صحیح است اما دقیقتر اینکه بکار گرفتن طنز تنها پاسخگویی به نیازهای روحی انسان همچون مزاح و خنده نیست، بلکه بیانگر وضع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که مؤلف و جامعه از آنها رنج می‌برند. بکارگیری طنز دلایل بسیاری دارد که از مهمترین آنها بستن دهان‌هاست؛ بطوری که ادیب نمی‌تواند آشکارا به انتقاد از ظلم، اشتباه یا سیاستی غلط پردازد؛ بنابراین طنز را به عنوان سکویی برای بیان خواسته‌های خود برمی‌گزیند. "خوشبیدین" طنز را تنها به خاطر ترس از سیاست‌های رژیم صهیونیستی بکار نگرفته و گویا نویسنده، روشی بهتر از آن مشاهده نکرده؛ بطوریکه صرفاً به شیوه طنز نگاشته نشده، بلکه طنزی تلخ و تراژدیک، حاوی پیامی برای مخاطب در بیان شرایط فلسطین و ملت آن است. این مقاله با روش وصفی - تحلیلی، به تحلیل و بررسی چگونگی بکارگیری طنز در این رمان می‌پردازد. از آنجایی که امیل جلوه‌های مختلفی از شرایط ملت فلسطین را ترسیم می‌کند، ارتباط تنگاتنگی با ادبیات پایداری دارد. ضرورت این جستار در پرداختن به اهمیت موضوع فلسطین و عدم چشم‌پوشی از جنبه دینی و انسانی آن است و از آنجایی که این رمان تأثیر بسزایی در جهان و رژیم صهیونیستی گذاشته، بدیهی است که اندیشه‌های جدید و شایان مطالعه‌ای در بردارد. این مقاله در پی تبیین چگونگی بکارگیری طنز و اغراض آن نزد حبیبی و نقش آن در موفقیت اثر اوست و از آنجایی که ادیب فلسطینی همه روش‌ها را برای بیان تراژدی و دردهای خود بکار گرفته، این جستار از خلاقیت بکارگیری طنز به عنوان روشی در بیان افکار و نظرات حبیبی پرده برمی‌دارد. بحران هویت فلسطینی، جایگاه عرب‌ها نسبت به قضیه فلسطین و سیاست‌های فرهنگ‌سازی از موضوعات مهمی است که این مقاله به بررسی آنها می‌پردازد. این رمان بیانگر این است که نویسنده، طنز را برای توصیف وضعیت حاکم بر فلسطین و تحقیر رژیم صهیونیستی بکار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: طنز، رمان فلسطین، خوشبیدین، امیل حبیبی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)، a_farhangnia@sbu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، ali.purhamdanian@gmail.com

توازن بین نهج البلاغه و صحیفه سجادیه بر اساس سبک‌شناسی آماري طبق تئوری‌های «بوزمان» و «جانسون» (نامه ۷۴ و دعای ۳۸)

عیسی متقی‌زاده*

علی حاجی‌خانی**، سمیه مدیری***

چکیده

یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال افکار به دیگران، نوشتن است. هر نویسنده‌ای، سبکی متناسب با اهداف موردنظر خود بر می‌گزیند تا در ذهن خوانندگان، تأثیرگذار باشد، ولی امکان دارد و چه بسا در اغلب مواقع، با وجود این‌که هدف نویسندگان، مشابه هست اما در سبک‌های نوشتاری آنان، تفاوت‌هایی وجود دارد. سبک، نقش مهمی را در انتقال محتوی و دستیابی به هدف از نوشتن، ایفا می‌کند؛ چراکه شوق و رغبت خوانندگان یک متن، بستگی زیادی به نیکویی و حسن به‌کارگیری جملات دارد. سبک‌شناسی، یکی از مهم‌ترین رویکردهای جدید بوده که دارای شاخه‌های متنوعی است؛ از جمله: سبک‌شناسی آماری. این رویکرد، کمیت و شمارش پدیده‌های لغوی در متن را مورد توجه قرار داده و بر پایه نتیجه این آمارگیری، حکم، صادر می‌کند؛ به عبارت دیگر، از کمیت، برای رسیدن به کیفیت، استفاده می‌کند. به کمک مطالعات سبک‌شناسی آماری، قادر خواهیم بود که میان سبک‌های مختلف، تمایز قائل شویم؛ از جمله: سبک علمی، ادبی، خطابی و تحقیق حاضر، شامل مطالعه سبک‌شناسی آماری در نهج البلاغه و صحیفه سجادیه می‌باشد. ما نامه ۷۴ و دعای ۳۸ را به عنوان نمونه انتخاب کرده و بر طبق دو نظریه بوزیمان و جانسون و با تکیه بر روش توصیفی، تحلیلی و آماری، آن‌ها را مقایسه کردیم. بر طبق نظریه بوزیمان به این نتیجه رسیدیم که سبک صحیفه سجادیه به سبک ادبی، نزدیک‌تر و سبک نهج البلاغه به سبک علمی، نزدیک‌تر است و طبق نظریه جانسون به این نتیجه رسیدیم که غنای واژگانی صحیفه سجادیه، بیشتر از نهج البلاغه است اما اختلاف آن‌ها زیاد نبوده و به دلیل تأثیر شرایط اجتماعی بوده است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی آماری، نظریه بوزیمان، نظریه جانسون، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، motaghizadeh@modares.ac.ir

** دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، Ali.Hajikhani@modares.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تربیت مدرس، s.modiri@modares.ac.ir

بازخوانی مفهوم آیه «وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» با رویکرد انسان‌شناسی فرهنگی

زهرا محقیان*

چکیده

آیه دوم سوره زلزال که از اخراج اثقال زمین در روز قیامت و تحدیث آن خبر می‌دهد؛ در میان عمده مفسران و قرآن پژوهان، باوری مجازین مرتبط با روز قیامت تلقی شده است که کارکردهای استعاری زمین را در قرآن کریم آشکار می‌سازد. این در حالیست که کاوش در باورهای کهن فرهنگی منطقه بین‌النهرین و سرزمین اقوام سامی نشان از آن دارد که آنچه در زبان این آیه موجود است نه تنها مجاز و استعاره نیست بلکه باورهایی استوار در فرهنگ گذشتگان اعم از اعراب و غیر اعراب است که اکنون بر محمل زبان به آیات قرآن کریم راه یافته است. این نوشتار بعد از واکاوی رویاورد مفسران به این آیه، به بررسی مؤیدات این ادعا می‌پردازد و براساس یک شناخت فرهنگی مربوط به پیش از اسلام و نیز ادبیات تفسیری سده‌های متقدم، آیه فوق را در سیاقی که در آن واقع شده است؛ بازخوانی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی فرهنگی، مادرزمین، زبان حقیقت و مجاز، استعاره.

ساختار موسیقایی و معنایی شعر مقاومت

مطالعه موردی شعر بسیسو و فیتوری

وحید میرزائی*

نرگس انصاری**

چکیده

موسیقی از عناصر پویا و زنده در ساختمان شعری به شمار می‌رود و شعر مقاومت به عنوان بخشی از شعر معاصر عربی با ریتم و نغمه‌های خاص خود، بیانی صادق از احساس و وجدان انسان عربی و آرزوهای گمشده اوست. از این روی این جستار با رویکرد توصیفی - تحلیلی و آماری و با گزینش اشعار معین بسیسو و محمد فیتوری ابتدا به تحلیل موسیقی بیرونی قصاید و تغییرات و نوآوری‌هایی که در ساختمان تفعلیه شعر این دو شاعر رخ داده، می‌پردازد. سپس نقش قافیه و انواع مختلف آن را در ارتباط با موسیقی و معنای قصیده مورد توجه قرار می‌دهد و در ادامه مکانیسم صوتی شعر مقاومت را که سبب غنای موسیقی شعر می‌شود، به منظور بیان ارتباط میان موسیقی درونی و مضمون قصیده و عواطف شاعر بررسی و تحلیل می‌کند. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد بحر متدارک در شعر این دو شاعر از تغییرات مختلفی برخوردار بوده و تفعلیه‌های نو، نقش مؤثری در کاهش یکنواختی ملالت‌آور موسیقی داشته است. همچنین بحرهای ترکیبی در شعر فیتوری به دلیل دارا بودن ریتم و نوایی نو بر اساس تجارب درونی شاعر در صدر اوزان شعری وی قرار دارد و تحلیل موسیقی درونی اشعار وحدت و همسانی صوتی در ساختار کلمات ایجاد کرده که علاوه بر هماهنگی و انسجام موسیقایی، ابعاد معنایی متعددی را به متن شعری بخشیده است.

کلیدواژه‌ها: شعر مقاومت، ایقاع، مکانیسم صوتی، معین بسیسو، محمد فیتوری.

* دانشجوی دکتری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، mvahid1366@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، narjes_ansari@yahoo.com

واکاوی امتناع‌کننده و دلایل امتناع در خطبه‌های نهج‌البلاغه

علی نجفی ایوکی*

مرضیه سادات کدخدایی**

چکیده

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به اقتضای شرایط حال مخاطب و بر اساس ذهنیت وی، برای بیان معنا و ترسیم مفاهیم مورد نظر، از استراتژی‌های بیانی مختلفی استفاده کرده است، امتناع از مهم‌ترین شگردهایی است که امام در متن دینی خود آن را به کار بسته است؛ متکلم زمانی از این روش استفاده می‌کند که بر عدم وقوع امری اطمینان داشته باشد و به قطعیت رسیده باشد. ابزاری که متکلم عموماً برای بیان این مقصود از آنها بهره می‌گیرد عبارتند از ادات جازم و غیر جازم (إن، لو و لولا). واکاوی خطبه‌های نهج‌البلاغه از این منظر بر این امر گواهی می‌دهد که امتناع با رویکرد احتجاجی و مستحکم خود برای ترسیم موضوعات متعددی به کار بسته شده است که امتناع‌کنندگان آن شامل خداوند متعال، امام (ع) و فرشتگان می‌شود. در پرتو حضور پررنگ امتناع در نهج‌البلاغه و نقش کلیدی این فن در القای مفهوم مورد نظر صاحب متن، این مقاله بر آن است تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی، امتناع‌های دخالت داده شده در خطبه‌های این متن دینی را مورد شناسایی و تحلیل قرار دهد. چنین برداشت می‌شود که دخالت‌دهی حجم زیادی از امتناع‌ها در کتاب یادشده، به روشنگری ذهنیت مخاطب نسبت به موضوعات دینی و غیر دینی انجامیده است. دیگر اینکه بررسی نشان از آن دارد که امتناع در خطبه قاصعه بیشترین بسامد را دارد و امتناع الهی بیشتر در ارتباط با پیامبران و بیت الله الحرام است.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، امتناع، استدلال ورزی، حکمت، انتفاء.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)، najafi.ivaki@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، marziehkadkhodaie@yahoo.com